



مهدی غنی پارسا
دبیر هنر اسدآباد همدان

آموزش هنر در مدارس

اشاره

نقد و نظر در مورد وضعیت آموزش هنر از زبان کسانی که در متن فرایند تدریس هنر قرار دارند، همواره با یک شیفتگی معنوی و دلسوزی حرفه‌ای همراه بوده است. نوشتار ذیل نیز که حاصل کنکاش یکی از دبیران هنر می‌باشد از مقوله ذکر شده بی‌بهره نیست. در عین حال «رشد آموزش هنر» برای برقرار کردن شیوه‌گفت‌وگو و مفاهمه بین همکاران هنر و برنامه‌ریزان آموزشی بویژه در گروه تألیف کتاب‌های هنری، آن را به چاپ می‌رساند تا براساس روال منطقی پاسخ‌گروه هنر دفتر برنامه‌ریزی را پس از دریافت به چاپ برساند.

رشد آموزش
هنر
دوره نهم
شماره ۱۵
پیاپی ۱۳۹۰

غیر از هنر که تاج سر آفرینش است،

بنیاد هیچ منزلتی پایدار نیست!

هنر واژه‌ای است که از زبان «سانسکریت» - با ساختار «سونر» یا «سونره» به معنای نیک و خوب و هر آن‌چه که دارای فضیلت و کمالاتی است - وارد زبان فارسی شده و در اوستا «هونر» آمده که از صفات اهورامزدا بوده و به معنای نیک و خوب به کار رفته است.

واژه هنر در گذر زمان دربرگیرنده مفاهیم مختلفی بوده و بزرگان علم و ادب نیز آن را گاه به همان مفهوم نیک و خوب و گاه برای بیان فنون و توانایی‌های خاص فیزیکی به کار برده‌اند.

به هر حال، هنر بیانگر فضایل و کمالات و توانایی‌های

کلیدواژه‌ها: درس هنر، آموزش هنر، هنر در مدارس.



هنر علاوه بر بیان افکار و احساسات که با تفریح و لذت نیز همراه است، دارای نقش بسیار در خور توجهی بوده و می‌تواند در یادگیری و آموزش و پرورش و رشد شخصیت افراد جامعه، بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی و رهاشدن فشارها و تعارضات روانی در خود هنرمند و مخاطب و به عبارتی بهداشت روانی جامعه، نقشی بی‌بدیل داشته باشد

بیان افکار، احساسات و تخیلات به شکلی زیبا و متعالی است که ماندگارترین حالات را در مخاطبان خود ایجاد و جاودانه می‌سازد.

هنر علاوه بر بیان افکار و احساسات که با تفریح و لذت نیز همراه است، دارای نقش بسیار در خور توجهی بوده و می‌تواند در یادگیری و آموزش و پرورش و رشد شخصیت افراد جامعه، بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی و رهاشدن فشارها و تعارضات روانی در خود هنرمند و مخاطب و به عبارتی بهداشت روانی جامعه، نقشی بی‌بدیل داشته باشد؛ چنان‌که «قطعه شعری زیبا و پرمعنی می‌تواند عواطف آدمی را تحت تأثیر قرار داده و وجدان خفته را بیدار سازد، حیات را در نگاهش جلوه‌ای دیگر بخشد، گرایش ویژه‌ای را در وی ایجاد و تقویت نماید، به رفتارش شکل بخشد و آن‌را در جهت هدف‌های مشخص سوق دهد. قطعه‌ای موسیقی می‌تواند به سهم خود، احساسات ویژه‌ای را بارور سازد و به انسان شور و حرکت بخشد و گاه توأم شدن شعری مطلوب با آهنگ و صدایی دلنشین، همراه با موسیقی مناسب، سرودی جذاب و مفید را عرضه نماید که برای توده جامعه، از تأثیری عمیق‌تر و کارآمدتر برخوردار خواهد بود... از این‌رو، ضمن تأکید بر نقش هنر و ضرورت کاربرد سنجیده و برنامه‌ریزی شده آن در آموزش و پرورش و بهداشت روانی، به مفهوم کلی، بر استفاده مناسب از هنر در جهت پرورش ابعاد اخلاقی و معنوی شخصیت انسان، تقویت ایمان مذهبی و روحیه اعتقادی، نگرش توحیدی و گرایش به ارزش‌های اصیل آن تأکید می‌گردد.»

این‌که احساس هنری امری فطری است و به صورت بالقوه و به میزان‌های متفاوتی در افراد وجود دارد، شکی نیست؛ اما برای پرورش آن و بالفعل شدن، بی‌شک به شناسایی و آموزش نیاز است که به یقین از همان سال‌های آغازین حضور کودکان در محیط‌های آموزشی (کودکستان‌ها) و پس از آن تا پایان سال‌های آخر دوره متوسطه، به عهده آموزش و پرورش است. هر چند نهادهای دیگری مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، نهادهای خصوصی و... به موازات

این که احساس هنری امری فطری است و به صورت بالقوه و به میزان‌های متفاوتی در افراد وجود دارد، شکی نیست؛ اما برای پرورش آن و بالفعل شدن، بی‌شک به شناسایی و آموزش نیاز است

آموزش و پرورش، به اهداف مورد اشاره می‌پردازند، اما نباید فراموش کرد که در همه شهرها و به‌ویژه در روستاها چنین امکاناتی وجود ندارد.

با آن‌که برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در مقدمه چند کتاب درسی هنر کنونی و راهنمای آن‌ها و «اهداف تدریس هنر در مدارس»، در مجموع به این موارد تأکید بیشتری دارند:

● شناخت و پرورش استعداد‌های هنری دانش‌آموزان و فراهم ساختن زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی این استعدادها؛

● ایجاد مهارت و تقویت آن؛

● تربیت دقت در دانش‌آموزان؛

● ایجاد اعتماد به نفس؛

● آشنایی با میراث غنی و با ارزش فرهنگی ایران اسلامی؛

● ایجاد زمینه‌های مناسب برای استفاده از اوقات فراغت و داشتن سرگرمی‌های سالم؛

● ایجاد زمینه برای رسیدن به نوآوری، ابداع و خودکفایی هنری؛

● آشنایی با اصول و فنون زیباشناسی.

اما برای رسیدن به این هدف‌ها چه میزان برنامه‌ریزی صورت گرفته و نتایج آن چگونه قابل لمس است؟ در بررسی اجمالی برنامه‌ریزی، تدوین و تألیف کتاب‌های درسی هنر و تدریس این درس در مدارس ایران، موارد زیر بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند:

- ساعت‌های اختصاص یافته هفتگی به هنر در سه دوره آموزشی در برنامه‌ریزی درسی کنونی عبارت‌اند از:

* پنج ساله ابتدایی از حدود ۱۲۰ ساعت حضور هفتگی در کلاس، ۸/۵ ساعت درس هنر (پایه‌های اول و دوم ابتدایی ۲ ساعت و پایه‌های سوم، چهارم و پنجم، ۱/۵ ساعت در هفته)

* سه ساله راهنمایی از حدود ۱۰۲ ساعت حضور هفتگی در کلاس، ۴ ساعت درس هنر (پایه اول راهنمایی ۲ ساعت و پایه‌های دوم و سوم ۱ ساعت در هفته)

* سه سال متوسطه نظری و پیش‌دانشگاهی در نظام جدید (سالی واحدی)، از حدود ۱۳۲ ساعت حضور هفتگی در کلاس، ۲ ساعت درس هنر در هفته، آن هم به صورت انتخابی - از بین چند درس - که معمولاً به دلایل متعدد، هنر انتخاب نمی‌گردد.

پس در مجموع، یک دانش‌آموز در طی دوران تحصیل ۱۲ ساله و به عبارتی از حدود ۳۵۴ ساعت حضور هفتگی خود در مدرسه، تنها ۱۲/۵ ساعت در هفته، درس هنر دارد، که حدود ۳/۵۳ درصد از کل ساعت مورد اشاره را دربرمی‌گیرد. این میزان با توجه به اهداف مشخص شده و تأثیرات بی‌بدیل هنر بسیار ناچیز است.

- بیش‌تر آموزگاران دوره ابتدایی، از شیوه‌های ارائه درس هنر آگاهی کافی ندارند و همواره فکر می‌کنند باید خودشان طراح، نقاش، خوش‌نویس، موسیقی‌دان و خلاصه هنرمند باشند تا بتوانند در ساعت هنر به دانش‌آموزان آموزش دهند؛ در حالی که این تصور درستی نیست و اکنون نیز توسط گروه پژوهش و تألیف، کتاب «راهنمای درس هنر» برای آموزگاران تدوین گردیده تا کمکی برای برنامه‌ریزی و تدریس هنر باشد. اما هم‌چنان بعضی از معلمان از وجود این کتاب در آموزشگاه‌ها بی‌اطلاع‌اند و یا آن را به کار نمی‌گیرند. و دیگر این‌که چند سالی است گروه برنامه‌ریزی و تألیف دروس هنر دوره ابتدایی، اقدام به برگزاری دوره‌های بازآموزی متمرکز کشوری و سپس شهرستانی نموده است، اما تعداد بسیار زیادی از آموزگاران در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند و اغلب شرکت‌کنندگان در دوره نیز شیوه نوین تدریس هنر را اجرا نمی‌نمایند؛ هر چند علت این کار نهادینه نشدن درس هنر و کمبود وقت است اما شاید عدم نظارت بر این درس علت مهم‌تری باشد؛ چرا که بعضی آموزگاران، در ساعت هنر،



**در برنامه‌ریزی
درسی - در دوره
۱۲ ساله تحصیلی
- تنها ۳/۵۳
درصد از کل
ساعات حضور
دانش‌آموزان در
مدرسه، به «هنر»
اختصاص دارد**

باید توسط مربیان پرورشی صورت گیرد. نکته مهم در گروه دوم، این است که بسیاری از مربیان پرورشی (ضمن احترام به مربیان هنرمند و توانمند) اطلاعات و توانایی کافی برای ارائه رشته‌های مذکور را ندارند؛ چرا که برای تحصیل در رشته پرورشی در مراکز دانشگاهی و تربیت معلم، آزمون ورودی هنر گرفته نمی‌شود و دروس هنری هم که در دوره تحصیل برای آنان ارائه شده، به گونه‌ای نیست که پاسخگوی نیاز مربیان در محیط اجرایی (مدرسه) باشد. و مهم‌تر این که در طی چند سال گذشته و با تغییراتی که در معاونت پرورشی صورت گرفت، آموزگاران و دبیران دروس دیگر، تغییر رسته از آموزشی به پرورشی داده و اکنون به عنوان مربی پرورشی فعالیت دارند و در انجام وظیفه دچار مشکلات زیادی هستند. برای رسیدن به اهداف تعیین شده دروس هنر، انتظار می‌رود وزارت آموزش و پرورش علاوه بر تدوین کتاب، ویژه گروه دوم، در تربیت و به‌کارگیری مربیان پرورشی و هم‌چنین برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی (ضمن خدمت) مورد نیاز این گروه، اقدامات لازم را به عمل آورد. - همان‌گونه که اشاره شد، در نظام آموزشی جدید دوره متوسطه (سالی واحدی)، تنها دو ساعت درس هنر در پایه اول گنجانده شده است که با توجه به شرایط و امکانات آموزشگاه و علاقه دانش‌آموزان و مهم‌تر آن که موافقت مدیر آموزشگاه، یکی از گرایش‌های هنر (خوش‌نویسی، طراحی و نقاشی و عکاسی)، باید از بین چند درس انتخاب گردد، که اغلب به دلایل متعدد، هنر مورد انتخاب قرار نمی‌گیرد.

سایر دروس - به‌ویژه ریاضی - را تدریس می‌کنند. با این کار، علاوه بر این که دانش‌آموزان از اهداف تربیت هنری باز می‌مانند، از دروس جایگزین نیز گریزان می‌شوند و آثار سوء آن را در کلاس‌های بالاتر و حتی بعد از تحصیل نیز می‌توان مشاهده نمود؛ در حالی که اگر آموزگار به شیوه تدریس هنر و به عبارتی با چگونگی «تربیت هنری» آشنا باشد، نه تنها آن مشکل را ایجاد نمی‌نماید بلکه با برقراری ارتباط بین هنر و سایر دروس، کلاسی پربار و جذاب خواهد داشت.

- در دوره راهنمایی، علاوه بر ساعات ناچیز درس هنر، کتاب‌های آموزش هنر نیز نه تنها جامع نبوده، و هیچ نشانی از هنرهای آوایی و نوایی و نمایشی در آن‌ها نیست، بلکه از سه دهه پیش که تألیف گردیده‌اند، تغییری نیز در آن‌ها ایجاد نشده است.

هم‌چنین بخش اول کتاب‌های هنر (طراحی و نقاشی) به گونه‌ای تألیف شده‌اند که برای تدریس حتماً نیاز به دبیر ویژه هنر دارند؛ در حالی که با توجه به زمان بسیار اندک و کمبود دبیر در بسیاری از مدارس، هنر توسط دبیران غیرمتخصص تدریس می‌گردد. در این شرایط کتاب باید به گونه‌ای باشد که آن‌ها بتوانند تا حدی به اهداف موردنظر برسند و مهم‌تر این که بعد از سه دهه تألیف کتاب‌های آموزش هنر در راهنمایی، هنوز در پایه‌های دوم و سوم، کتاب راهنمای معلم وجود ندارد. - توانایی تدریس بعضی از دبیران هنر در راهنمایی، به دلیل آشنایی و تخصص تنها در یک رشته یا رشته‌هایی خاص (مانند موسیقی، نمایش، عکاسی و...) که در تألیف کتاب‌ها جزو برنامه‌ها نیست، با اهداف کتاب‌های کنونی فاصله دارد و اغلب با توجه به نگرشی که در دانش‌آموزان ایجاد شده (هنر = خط و نقاشی)، آن‌ها (دبیران هنر) در تدریس کتاب‌ها دچار مشکل هستند و انتظار می‌رود با توجه به مطالب و اهداف کتاب‌ها به پذیرش و آموزش دبیران هنر اقدام شود.

- آموزش هنر در دوره راهنمایی، به دو بخش انفرادی و گروهی تقسیم شده است: بخش انفرادی دارای کتاب درسی «آموزش هنر» و شامل دو قسمت طراحی و نقاشی و خوش‌نویسی است، که تدریس آن‌ها باید توسط دبیران هنر انجام شود و بخش گروهی، که کتاب درسی و منبع ندارد و شامل هنرهای نمایشی، تئاتر، سرود و آهنگ‌های انقلابی، روزنامه‌نگاری، عکاسی و... می‌شود و ارائه آن‌ها

